

## انجیل دیگری نیست

### درس ۸: بهای شریعت‌گرایی

### درک توماس

درس هشتم؛ و این با یه سؤال شروع می‌شه، «برای خوشی شما چه اتفاقی افتاد؟» خوشی شما کجا رفت؟ با من به غلاطیان ۴، آیه‌ی ۱۵ برید، غلاطیان ۴: ۱۵، «پس کجا است آن مبارک‌بادی شما؟» حالا به بخشی می‌پردازیم که از باب ۴، آیه‌ی ۸ شروع می‌شه تا آیه‌ی ۲۰.

در درس قبلی، یادتونه که بالای هیمالیا یا اورست یا کوه منتخب شما خاتمه دادیم، اما در نقطه‌ی اوج غلاطیان بودیم، «لهذا دیگر غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله‌ی مسیح.» آیه‌ی ۷، پولس آموزه‌ی فرزندخوندگی رو معرفی کرد. در اینجا، بخشی از تدبیر پولس به غلاطیانی که در قالبی از شریعت‌گرایی گرفتار شدند، اینه که بهشون یادآوری کنه که کی و چی هستند. اون‌ها در مسیح هستند. فرزندخونده‌اند. دیگه برده نیستند. فرزندان خدا، وارث خدا، هم‌ارث با عیسی مسیح هستند.

حالا درحالی‌که به آیه‌ی ۸ می‌ریم، او بین فرزندخوندگی و پسر بودن یا هویتشون در زمانی که خارج از مسیح بودند، یه تضاد ایجاد می‌کنه. اون‌ها چی بودند؟ برده بودند. «لیکن در آن زمان چون خدا را نمی‌شناختید، آنانی را که طبیعت خدایان نبودند، بندگی می‌کردید.» بُت‌پرستی، بخش مرکزی گناهه؛ ساختن بُت‌ها و پرستش اون‌ها.

در این مورد، اون‌ها تمایل دارند از شریعت خاصی، بُت بسازند؛ شریعت خاصی که دیگه اجرا نمی‌شه. چیزی که یهودی‌گرایان؛ ما اسمشون رو یهودی‌گرایان می‌ذاریم؛ اما این فرقه در کلیسای غلاطیه از ایمانداران می‌خواد از شریعت آیینی خاص، شریعت غذا، ختنه و در این مورد، شریعت تاریخ‌های مندرج در تقویم که در آیه‌ی ۱۰ می‌بینید، اطاعت کنند، «روزها و ماه‌ها و فصل‌ها و سال‌ها را نگاه می‌دارید.»

احتمالاً وابستگی به تقویم عهدعتیق رو به کلیسای غلاطیان تحمیل می‌کردند و یه پاشون در یهودیت بود و یه پاشون در مسیحیت؛ و این نوعی بردگی بود. این شریعت، شریعت آیینی، در مسیح به تحقق رسید. اون‌ها برای این بود که قوم خدا رو از گناه و نیازشون آگاه کنند؛ و به مسیح اشاره می‌کردند. وقتی زمان به کمال رسید و خدا پسرش رو فرستاد که از یه زن متولد شد و زیر شریعت بود تا کسانی رو که زیر شریعت هستند، رهایی بده و از اسارت آزاد کنه، اما حالا اون‌ها دوباره به این اسارت برمی‌گردند. شریعت‌گرایی، مشکل کلیسای غلاطیه‌اس.

حالا شاید باید به خودمون یادآوری کنیم که در یه شرایطِ دیگه، شاید پولس به همراه عیسی گفت، «اگر مرا دوست داری، از فرامین من اطاعت کن.» «به این طور شما بدوید تا به کمال برسید.» اگه پولس در شرایطی بود که ایمانداران به ایمان‌گرایی وابسته بودند، به شریعت احترام نمی‌داشتند، پیغام متفاوتی ارائه می‌کرد. اما اینجا در غلاطیه، با مسئله‌ی شریعت‌گرایی مواجه‌اند، اطاعت از شریعت بشری یا اطاعت از شریعتی که حالا در عیسی مسیح به تحقق رسیده.

پولس با اطاعت از شریعت اخلاقی مخالفت نمی‌کنه. او مخالفِ ده فرمان نیست. ما در باب ۵ و ۶ خواهیم دید که پولس درخواست‌های زیادی از مسیحیان غلاطیه داره. اما می‌خواد به این شریعت‌گرایی رسیدگی کنه و این مثلِ یه ماره؛ می‌خواد روی اون پا بذاره. می‌خواد لهش کنه؛ و این یه نشونه از شریعت‌گراییه. یکی از نشونه‌های شریعت‌گرایی، از دست دادنِ خوشی هست، از دست دادن مبارک‌بادی. پس بیایید به این آیه با سه عنوان نگاه کنیم، انگار پولس یه پزشکه و در حالِ معاینه‌ی یه بیماره و من می‌خوام علائم، تشخیص و درمان رو بررسی کنم. علائم، تشخیص و درمان.

علائم، آیه‌ی ۱۵، «مبارک‌بادی.» «پس کجا است آن مبارک‌بادی شما؟» می‌گه مذهب، مسیحیت در غلاطیه، دشوار شده، این طور نیست؟ یه وظیفه شده. یه سری قوانین شده. یه سری الزاماتی که باید انجام بشه. این نامحسوسه، این طور نیست؟ نشونه‌های ایمان نجات‌بخش چیه؟ این سؤال رو غالباً از خودمون می‌پرسیم. «اگر مرا دوست داری، از فرامین من اطاعت کن.» یکی از نشونه‌های ایمان نجات‌بخش، اشتیاق برای حفظ فرامین خداست. خُب، چقدر باید این‌ها رو رعایت کنم تا مبارک بودنم رو حفظ کنم؟ این مسیر حلزونی ناامیدیه، این طور نیست؟ طولی نمی‌کشه که به اندازه‌ی کافی خوب نیستیم و انگار روی نیمکت نشستیم. در واقع مشغول بازی نیستیم. فقط روی نیمکت نشستیم و نامطمئنیم.

من باید یه میزانی از خوشی رو داشته باشم، اما چقدر خوشی؟ باید به همسایه‌ام محبت کنم، اما چقدر به همسایه‌ام محبت کنم؟ یا شاید به طور نامحسوس‌تر؛ باید کیفیت خاصی از توبه رو نشون بدم. چقدر توبه؟ چه میزانی از احساسم رو در توبه ابراز کنم تا توبه‌ام حقیقی باشه، تا این توبه به اندازه‌ی کافی خوب باشه که من رو از جایگاهم به‌عنوان فرزند خدا مطمئن کنه؟

طولی نمی‌کشه که نجات تماماً مربوط به شما می‌شه، و تماماً به تلاش شما و توانایی و تداوم شما در حفظ شریعت خدا مربوط می‌شه. مسیحیت به دستگاه تردمیل تبدیل می‌شه و شما از این دستگاه پایین نمی‌رید و هر لحظه از روز، نگرانی و عدم قطعیت رو احساس می‌کنید و مبارک‌بادی تون رو از دست می‌دید، خوشی رو از دست می‌دید، اطمینان رو از دست می‌دید، اطمینان به هویت‌تون در عیسی مسیح رو از دست می‌دید.

مثل کسی که دائماً کار می‌کند، هر روز کار می‌کند، صبح زود به دفتر کار می‌ره و دیروقت به خونه برمی‌گرده. موقع شام، دائماً ایمیلش رو چک می‌کند. وقتی با همسرش صحبت می‌کند، دائماً پیغام می‌ده، ایمیلش رو چک می‌کند. قبل از خواب، باید یه ایمیل دیگه بنویسه. نیمه‌شب بیدار می‌شه و به دنبال گوشی تلفنشه که ببینه کار دیگه‌ای باید انجام بشه.

مسیحیت می‌تونه این‌طور بشه. می‌تونه تماماً دربارهی وظیفه باشه و می‌تونه تماماً دربارهی انجام کار و آیین‌ها و شریعت باشه؛ خوشی رفته و خواب ندارید. حس آرامشی در دل و جان نیست. دائماً خسته‌اید. خیلی بد غذا می‌خورید. ورزش نمی‌کنید و یکی دائماً توی گوشتون صدا می‌کند که کارهای بیشتری انجام بده و دست‌نکش و از روی دستگاہ پیاده‌روی پایین نرو.

هلموت تیلکی این شرایط رو توصیف می‌کند، «چهره‌ی محزون و ترش‌روی بسیاری از مسیحیان، ترجیحاً اینو نشون می‌ده که به جای اینکه از ضیافت شادی‌بخش اومده باشند، از پیش‌بخشداری اومدن که گناهانشون رو به مزایده گذاشته و حالا متأسف‌اند که نمی‌تونند اون‌ها رو پس بگیرند»؛ این شرایط بسیاری از مسیحیانه. مسیحیت بدون خوشی که بالاخره شما رو می‌کُشه. باید از خطر این موضوع آگاه باشید. حُب، این نشونه‌آس؛ از دست دادن خوشی، از دست دادن مبارک‌بادی.

حُب، بیایید به تشخیصش نگاه کنیم. تشخیصش، همون‌طور که گفتم، شریعت‌گراییه. حالا ما به تعریف صحیح شریعت‌گرایی نیاز داریم. برای عده‌ای، شریعت‌گرایی، هر نوع اطاعت از شریعت خداست، هر نوع تقاضا یا الزام. بعضی مسیحیان از کلمه‌ی «شریعت‌گرایی» استفاده می‌کنند، درحالی‌که منظورشون اینه که «من نمی‌خوام الان از اون شریعت اطاعت کنم، چون الان، در این دوره از زندگی‌ام، انجام این کار برام راحت نیست. می‌دونم این بخشی از شریعت خداست و می‌دونم باید اینو رعایت کنم، اما الان برام راحت نیست و اسمش رو شریعت‌گرایی می‌ذارم و این‌طوری باهاش برخورد می‌کنم.»

این شریعت‌گرایی نیست. اطاعت از شریعت اخلاقی، شریعت‌گرایی نیست. اگه از شریعت اخلاقی اطاعت کنید تا عادل شمرده بشید، این شریعت‌گراییه. اگه از شریعت اخلاقی خدا اطاعت کنید تا در جایگاه عدالت در نزد خدا بایستید، این شریعت‌گراییه. اگه از شریعتی اطاعت کنید که شریعت خدا نیست، بلکه شریعت انسانی، شریعتی که توسط کلیساها یا گروهی از کلیساها یا کشیش‌ها و خادمینی ساخته شده که شخصیت خودشون در اون دیده می‌شه؛ و طرفدارانی دارند و الی آخر؛ می‌تونند سختگیر باشند. می‌تونند شما رو اسیر کنند.

می‌تونند شما رو در جایگاه بردگی بذارن تا از شریعتی اطاعت کنید که خدا دیگه ازتون نمی‌خواد که اطاعت کنید. شریعت آیینی در عهدعتیق. ما اینجا این سرنخ رو داریم که اون‌ها از تقویم عهدعتیق اطاعت می‌کردند و شاید اینو تحمیل می‌کردند که باید فصیح رو جشن بگیرند، عید خیمه‌ها رو جشن بگیرند، روز کفار و غیره رو اجرا کنند. اون‌ها می‌تونند نوعی از مسیحیت‌گرایی رو بهش اضافه کنند، اما همچنان باید از این شریعت تقویمی اطاعت کنند. و پولس می‌گه، «نه، این

شریعت گراییه. « احتمالاً اینو به غیریهودیانی تحمیل می کردند که با تاریخ اون ها آشنا می شدند و با ابراهیم به عنوان پدر روحانی شون و با عهدعتیق و همه ی محتویاتش که براشون نسبتاً جدید بود، آشنا می شدند.

اون ها مسیحیان جوون و بسیار تأثیرپذیر بودند؛ و این یهودی گرایان می گن، « شما باید از این شریعت اطاعت کنید.» برای این مسیحیان جوون غلطیه خیلی سخت بود که به این یهودی گرایان، « نه » بگن. به علاوه، اون ها نقش پولس رسول رو کم اهمیت جلوه می دادند و چیزهای بدی درباره ی او می گفتند و شخصیت و آبروی او رو از بین می بردند.

به عنوان مثال، یکی از سؤالات جالبی که در تاریخ فرقه ای که اخیراً عضوش هستم، یعنی کلیسای پرزبیتری متحد و اصلاح یافته پرسیده شده، اصطلاحاً مسئله ی ویلیام کرگ نامیده شده و سؤالی که در پرزبیتری قرن هجدهم مطرح شده اینه که، « این تعلیم درست و متعارف نیست که بگیم با اومدن نزد مسیح باید گناه رو ترک کنیم.» حالا این سؤال سختیه، چون به طور منفی مطرح شده و دو بار منفی شده. پس بذارید به شکل متفاوتی این سؤال رو بپرسم. « آیا برای اومدن به نزد مسیح، باید گناه رو ترک کنید؟ »

باید با دقت به این سؤال فکر کنید. چه میزانی از گناه رو باید ترک کنید تا نزد مسیح برید؟ به چه میزانی از پیشیمانی نیاز دارید؟ به چه میزانی از حس تقصیر و گناه نیاز دارید تا بتونید نزد مسیح برید؟ و یک دفعه، توبه؛ البته که توبه مورد نیاز، اما کیفیت توبه ی من می تونه معیار و نشونه ی عادل شمردگی من بشه. یک دفعه، نه فقط به وسیله ی ایمان عادل شمرده شدم، بلکه با کیفیت توبه ام عادل شمرده شدم. یک دفعه، به اعمال مربوط می شه. اطاعت ما. کارهای ما. می تونید به زبانی بسیار شگرف و روحانی که کاملاً کتاب مقدسی به نظر می رسه، اون رو آراسته کنید.

آیا باید توبه کنید تا مسیحی بشید؟ بله و خیر. بله، باید توبه کنیم، اما توبه ی ما منجر به عادل شمردگی مون نمی شه. کیفیت توبه ی ما منجر به عادل شمردگی مون نمی شه.

در تاریخ کلیسا، گاهی « گرایش به آماده سازی » نامیده شده، یعنی باید خودتون رو آماده کنید تا نزد مسیح برید. باید در قالب فکری خاصی باشید. باید از مراحل مختلف تشخیص گناه کار بودنتون گذشته باشید تا بتونید نزد مسیح برید. این بر جوانب خاصی از آیین پاک دینان، مخصوصاً در نیو اینگلند در اواخر قرن شانزده، اوایل قرن هفده تأثیر گذاشته بود. توماس بوستون مُصمّم بود که این نادرسته، به آموزه ی عادل شمردگی فقط به وسیله ی ایمان به مسیح بی حرمتی کرده و اونو خوار شمرده.

پولس به غلطیه نیومده که به مذهب ارائه گُنه، به کُد اخلاقی که نوع خاصی از شهروندی رو در اروپا فراهم گُنه. او اومده بود که پیغام فیض رو اعلام گُنه. اومده بود که آزادی در مسیح رو اعلام گُنه. اومده بود تا کسانی رو که طبیعتاً برده و اسیر بودند، آزاد گُنه تا همون کسی بشن که خدا براشون می خواست، تا فرزندان و وارثان خدا بشن. پس تشخیصی که اینجاست،

شریعت گراییه. به نظرم، ما برای شریعت‌گرایی ساخته شدیم. به نظرم، تقریباً به‌طور غریزی در درونمون باید اعمال بیشتری انجام بدیم.

باید بیشتر تلاش کنیم تا این امتیاز بزرگ فرزندی خدا رو توجیه کنیم. ما واقعاً نمی‌تونیم بپذیریم که این یه هدیه‌ی رایگانه که خدا به ما می‌ده و باید به‌نوعی اینو به‌دست بیاریم و شاید باید با کیفیت واکنش عاطفی مون به هدیه‌ی خدا اونو به‌دست بیاریم. و غلطیان یه بینش مهمی رو نسبت به ساختارشکنی شریعت‌گرایی و ساختارشکنی ویژگی شریعت‌گرایی که در زیرِ سطحه، برای ما فراهم می‌کنه. مخصوصاً برای مسیحیان محافظه‌کار، مخصوصاً برای مسیحیانی که به شریعت اخلاقی ایمان دارند و به تقدیس ایمان دارند و با نوعی از مسیحیت که بدون شریعت مخالفه می‌کنند و الی آخر؛ این به‌راحتی می‌تونه یه قالبی از شریعت‌گرایی بشه.

گاهی اوقات فکر می‌کنیم که درمان ایمان‌گرایی، کمی شریعت‌گراییه؛ و گاهی اوقات فکر می‌کنیم که درمان شریعت‌گرایی اینه که راحت باشیم و اهمیت ندیم و «شجاعانه گناه کنیم»، چنانکه لوتر قبلاً گفت. ما از ایمان‌گرایی به شریعت‌گرایی تاب می‌خوریم و عقب و جلو می‌ریم؛ باید بدونیم که درمان ایمان‌گرایی و شریعت‌گرایی، یکسانه. درمانش، عیساست. «کسی رو غیر از عیسی در این تصویر نبینید.» به یاد بیارید که کی هستید و هویت‌تون رو در مسیح به یاد بیارید.

این درمان پیشنهادی پولسه. درباره‌ی نشونه و از دست دادن خوشی صحبت می‌کنه؛ درباره‌ی تشخیص صحبت می‌کنه. تشخیصش اینه که اون‌ها از شریعت‌گرایی رنج می‌برند. اون‌ها به صدای شریعت‌گرایی گوش دادند که می‌گه، «کمی بیشتر تلاش کن، بعد می‌تونن از جایگاه مطمئن بشن.» درمانش رو در آیه‌ی ۱۲ می‌بینید، «ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل من بشوید.»

حالا می‌تونید بخونید که می‌گه، «حُب، فرق بین این و واکنش اون‌ها به یهودی‌گرایان چیه؟» یهودی‌گرایان بر اون‌ها حکمرانی می‌کردند؛ و شما خواهید دید که وقتی در آیه‌ی ۱۷ می‌گه، «آن‌ها»، یهودی‌گرایان «شما را به غیرت می‌طلبند، لیکن نه به‌خیر، بلکه می‌خواهند در را بر روی شما ببندند تا شما ایشان را به‌غیرت بطلبید.»

یه نکته‌ی کوچیکی اینجاست که یهودی‌گرایان اطاعت می‌خواستند تا ایشان را به‌غیرت بطلبند؛ چنین خادمانی وجود دارند. اون‌ها می‌خوان بر مردم حکمرانی کنند. این جایگاه خیلی قدرتمندی در کلیساست؛ شما صدای خدا هستید، مفسر کلام هستید، دهان عیسی هستید. به‌راحتی می‌تونید آزش سوءاستفاده کنید؛ خادمان می‌تونند وجدان مسیحیان رو زیر پا بذارن، مخصوصاً مسیحیان حساسی که واقعاً می‌خوان خداوند عیسی رو خشنود کنند؛ و می‌تونند به‌راحتی حکمران و اربابشون بشن.

پس فرق بین این و پولس چیه که حالا می‌گه، «مثل من بشوید.» پولس می‌گه، روزی رو که نزد شما اومدم، به یاد دارید، «اگر ممکن بودی، چشمان خود را بیرون آورده، به من می‌دادید.» اینجا پیشنهاد می‌شه که شاید خاری در جسم در رسالات قرنتیان، بیماری پولس بود و بر چشم‌هاش اثر گذاشته بود.

یه توصیف معاصر درباره‌ی پولس در قرن یکم هست و چاپلوسی نمی‌کنه و می‌گه او کوتاه قد و زشت بود و بینی عقابی داشت و غیره؛ این یه تصویر چاپلوسانه نیست. چیزی در پولس رسول نبود که او رو واعظ یا شخصیت تلویزیونی هالیوودی کنه. او چیزی نداشت که بهش نگاه کنید. در واقع، شاید به‌سختی می‌شد بهش نگاه کرد.

وقتی با ضعف به غلاطیه اومد، پولس می‌گه، «مثل من بشوید»، نه فقط از این لحاظ که «می‌خوام به‌جای پیروی از یهودی‌گرایان، از من پیروی کنید»، بلکه «مثل من بشوید»، او می‌گه، «از شما استدعا دارم که مثل من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام.» منظور پولس چیه؟ او با مسیح مصلوب شد. «ولی زندگی می‌کنم لیکن نه من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می‌کند.»

اینجا هدف پولس در آیه‌ی ۱۹ اینه، «ای فرزندان من که برای شما باز درد زه دارم تا صورت مسیح در شما بسته شود.» پولس از این استعاره استفاده می‌کنه، انگار یه زنه که فرزندی رو به دنیا میاره و متحمل درد زایمان می‌شه، چون این قوم رو دوست داره و به قومش اهمیت می‌ده و نمی‌دونه چرا اون‌ها از حقیقت منحرف شدند. او می‌خواد عیسی در اون‌ها شکل بگیره؛ و شریعت‌گرایی این کار رو نمی‌کنه. خُب، پولس می‌خواد دوباره به عهدعتیق برگرده، اما این درس بعدی ماست.